

## **The Role of Economic Poverty in Irreligiousness and Hadith-Theological Solutions**

**Reza Baghizadeh <sup>a\*</sup>**

<sup>a</sup> Associate Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

---

### **KEYWORDS**

Religion, atheism, economy, poverty, people, speech, hadith

Received: 11 September 2023;  
Accepted: 23 January 2024

Article type: Research Paper  
DOI:10.22034/thr.2024.2010222.1032

---

### **ABSTRACT**

The phenomenon of irreligiousness has its roots and causes, among which economic problems can be mentioned. In this descriptive-analytical research, which collected information from library, we have shown that according to Islamic traditions, one of the main factors of irreligiousness is economic problems and material poverty. Also, relying on the Islamic texts, especially the traditions and the Islamic theology, we have explained how to solve the economic problem and increase the proper understanding of the religion and belief in God, adornment with some moral virtues such as patience and hope, and practical measures such as work and effort and charity, and contentment, which can be among the solutions to deal with the phenomenon.

---

\* Corresponding author.

E-mail address: [Reza.Baghizadeh@gmail.com](mailto:Reza.Baghizadeh@gmail.com)

2024 Published by Arak University Press. All rights reserved.





## نقش فقر اقتصادی در دین‌گزیزی و راهکارهای حدیثی - کلامی مقابله با آن

رضا باقی‌زاده الف\*

الف استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

چکیده	واژگان کلیدی
پدیده دین‌گزیزی دارای ریشه‌ها و عواملی است که از آن میان می‌توان به مشکلات اقتصادی اشاره کرد. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی که در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده شده، نشان داده‌ایم که بر اساس روایات اسلامی، یکی از عوامل اصلی دین‌گزیزی مشکلات اقتصادی و فقر مادی است. همچنین با تکیه بر متون اسلامی به ویژه روایات و نیز دانش کلام اسلامی، توضیح داده‌ایم برطرف کردن مشکل اقتصادی و بالابردن درک صحیح از دین و اعتقاد به خدا، آراستگی به برخی از فضایل اخلاقی همچون صبر و امیدواری و اقدامات عملی مانند کار و تلاش، انفاق و صدقه و قناعت می‌تواند از جمله راهکارهای مقابله با این پدیده باشد.	دین، دین‌گزیزی، اقتصاد، فقر، کلام، حدیث تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲ مقاله علمی پژوهشی

### ۱. مقدمه

دین‌گزیزی از جمله موضوعاتی است که در دوره جدید به ویژه در سده اخیر در کشور ما مورد توجه دین‌پژوهان، جامعه‌شناسان و عالمان علوم تربیتی و روان‌شناسی قرار گرفته است. از علل اصلی بذل توجه به این پدیده نیز مشاهده آن در میان برخی اقشار مردم به خصوص برخی جوانان و نوجوانان است که محققان را به سمت آن کشانده و آنان را در پی علل و زمینه‌های آن و راهکارهای مواجهه و مقابله به آن به تکاپو و تحقیق واداشته است. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته و مشاهدات تجربی، دین‌گزیزی پدیده‌ای چند عاملی است که از جمله عوامل مهم آن عامل اقتصادی و به تعبیر دقیق‌تر مشکلات اقتصادی و فقر مادی است. در این تحقیق برآنیم که به این عامل مهم بر اساس متون روایی پرداخته و راهکارهای مواجهه درست با آن را بر اساس این متون و آثار کلامی و مباحث اعتقادی تبیین کنیم.

### ۲. پیشینه پژوهش

در موضوع دین‌گزیزی و عوامل آن پژوهش‌های چندی در قالب کتاب و مقاله انجام شده است. از جمله: ۱. کتاب «عوامل و ریشه‌های دین‌گزیزی از منظر قرآن و حدیث» نوشته علی شکوهی ۱. ۲. مقاله «علل و ریشه‌های دین‌گزیزی»

۱ - مولف در فصل سوم کتاب عوامل دین‌گزیزی را به علل روانی، فردی و اجتماعی تقسیم کرده و مواردی چون فقر و ناداری، آلودگی محیط اخلاقی و اجتماعی، عملکرد نادرست برخی از عالمان دین، خشونت، تبلیغات و عملکرد دشمنان، دفاع نابخردانه از دین، معرفی نادرست دین، تبیین نارسای مفاهیم

نوشته رفیعی محمدی و انصاری؛ ۳. مقاله «بررسی عوامل دین‌گریزی از منظر جوامع اسلامی و قرآن کریم» نوشته حسن شجاعی؛ ۴. مقاله «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب» نوشته محمد عباسی؛ ۵. مقاله «عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان از دیدگاه جوانان»، نوشته اشرفی و معافی؛ ۶. مقاله «دین‌گریزی، عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن»، محمد بهرامی؛ ۷- مقاله «تحلیل معرفت‌شناسانه دین‌گریزی» نوشته زهرا بهارلو؛ ۸- مقاله «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب» نوشته محمد عباسی؛ ۹- مقاله «علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاه‌ها در اصلاح آن» نوشته امینی، مرادی و محمدی؛ ۱۰- مقاله «بررسی برخی از ریشه‌های دین‌گریزی و ارائه راهکارهای جلوگیری از آنها» نوشته محمد پاکیزه. در این آثار به عوامل مختلف دین‌گریزی پرداخته شده است. مقاله حاضر به رغم تشابه در عنوان با پژوهش‌های انجام شده مذکور، به صورت مستقل و مفصل به عامل مشکلات اقتصادی و فقر مادی بر اساس متون روایی و راهکارهای حدیثی و کلامی مقابله با آن پرداخته است و از این جهت از تحقیقات فوق متمایز می‌گردد.

### ۳. چیستی دین و دین‌گریزی

دین در لغت به معنای جزا، عادت و طاعت (فراهیدی، ۱۴۰۵، ۸/۷۳) آمده و در جای دیگر علاوه بر آن شأن و مکافات را هم اضافه کرده‌اند. (جوهری، بی تا، ۵ / ۲۱۱۸) علامه طباطبایی در تعریف اصطلاحی دین می‌نویسد: «مجموعه‌ای شکل گرفته از معارف مربوط به مبدأ و معاد و قوانین اجتماعی (عبادات و معاملات) که از طریق وحی و نبوتی که صدق و درستی‌اش با برهان ثابت گشته و نیز مجموعه‌ای از اخبار و احادیث راست و درستی که پیامبر آن‌ها را باز می‌گوید.» (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۱/۴۳۱) برخی دین را وضعی الهی دانسته‌اند که صاحبان خرد را به سوی رستگاری در این دنیا و حسن عاقبت در آخرت رهنمون می‌شود. (ناس، ۱۳۷۰، ۷۹) آیت الله جوادی آملی در تعریف دین گفته است: «دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۲۷). برخی محققان غربی نیز با توجه به ویژگی‌های عامی که در ساختار تمامی ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی مشترک به نظر می‌رسد دین را متشکل از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) دانسته که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است (پترسون و دیگران، ۱۳۸۳، ۲۰) بنابراین، دین آیین و برنامه زندگی است که از طرف خدا توسط پیامبران برای هدایت مردم آمده است که شامل اعتقادات، احکام و اخلاق می‌باشد. در این مقاله مراد ما از دین، ادیان الهی و مشخصاً دین اسلام می‌باشد.

برای توضیح مفهوم دین‌گریزی نیز توجه به واژه «گریز» شایان اهمیت است. چنان که برخی محققان نیز تصریح کرده‌اند در مفهوم واژه «گریز» دست کم سه موضوع اساسی لحاظ شده است: دور شدن و فاصله گرفتن، نوعی مواجهه و آشنایی اولیه، و نوعی نفرت و دلزدگی. بنابراین تا انسان با چیزی مواجه نشود و درکی از آن نداشته باشد از آن فرار نمی‌کند مفهوم گریز مشتمل بر نوعی مواجهه و آشنایی است گریز از دین به معنای گریز از اعتقاد و عمل دینی می‌باشد. (اشرفی، ۱۳۹۲) دین‌گریزی مقابل دین‌داری است. از منظر قرآن کسی دیندار است که اعمال و

دینی، ناسازگاری با نیازهای طبیعی و فطری بشر، اکراه و اجبار در دین، به کارگیری شیوه‌های نادرست در تبلیغ، غفلت از ظرفیت‌ها و استعدادها از هدایت تربیت، خصلتهای ناپسند، گناه و گریز از مسئولین و تقلید و شخصیت‌گرایی را به عنوان عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی مورد بررسی قرار داده است.

رفتارش موجب رضایت خدای سبحان شود به همین دلیل دین‌گریزی یعنی عدم اعتقاد، پذیرش و نسبت به هر آن چه خدای سبحان توسط انبیا و ائمه برای جامعه بشری نازل کرده است. (اصفهانی، ۱۳۸۲) اگرچه دین‌گریزی پدیده‌ای رو به گسترش در میان برخی از اقشار مردم به ویژه جوانان است و به تعبیر برخی محققان انسان دوره جدید در فرهنگ غرب و در قالب اندیشه اومانیسم یا انسان‌گرایی دین‌گریز و سکولار نیز هر چند می‌کوشد خود را یگانه حقیقت هستی و خالق تمام ارزش‌های واقعی این جهان معرفی نماید و هر گونه اندیشه ماوراء طبیعی، وحیانی و الهی را حذف نماید (یوسفی و غرسبان، ۱۴۰۱) اما مطابق آموزه‌های اسلامی دین حقیقتی بنیادی و جاویدان است و هیچ کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند، زیرا دین امر فطری و پاسخ‌گوی نیازهای وجودی و حذف نشدنی در انسان است بنابراین دین‌گریزی به معنای مطلق ممکن نیست و به تعبیر آیات قرآن، مشرکان نیز در شمار دین‌داران هستند و از سرنوشت دین خود می‌هراسند (الکافرون: ۶؛ المؤمنون: ۲۶؛ آل عمران: ۷۳) دین‌گریزی را می‌توان به معنای کم‌رنگ شدن ایمان و کم‌فروغ شدن چراغ دین در زندگی افراد دانست چنان که یهودیان از خداپرستی فاصله گرفته و به گوساله‌پرستی رو آوردند. (طه: ۸۵-۸۸) بنابراین دین‌گریزی به معنای دوری از دین و آموزه‌های دینی و بی‌توجهی به آنها به خصوص در عرصه آموزه‌های عملی دین یعنی همان احکام شرعی و در مرتبه بعدی آموزه‌های اعتقادی دین است.

#### ۴. رابطه فقر اقتصادی و دین‌گریزی از منظر متون روایی

با مراجعه به روایات پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت عصمت (ع) مشخص می‌شود ارتباط مستقیمی بین مشکل اقتصادی، فقر و ناداری با دین‌گریزی و گرایش به کفر وجود دارد. در برخی روایات و در قالب دعا، پیامبر گرامی اسلام از فقر و کفر در کنار هم به خداوند پناه می‌برد. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ: خدایا از کفر و فقر به تو پناه می‌برم». (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۴۰۳). در جای دیگر حضرت در قالب دعایی دیگر چنین می‌فرماید: به خدا پناه می‌برم از کفر و بدهکاری، سؤال شد: ای رسول خدا آیا قرض را با کفر برابر می‌دانی؟ فرمود: آری. (صدوق، ۱۳۸۵، ۲/۵۲۸) در برخی روایات نیز به صراحت فقر و ناداری سبب دین‌گریزی و کفر شمرده شده است. از جمله پیامبر اکرم (ص) فقر را چنان خطرناک می‌دید که آخرین سخن حضرت بر بالای منبر در این باره بود. امام صادق (ع) روایت می‌کند پیامبر (ص) بالای منبر خبر وفات خود را داد و آنگاه فرمود: «خدا را به یاد هر حاکم و والی پس از خود می‌آورم که مبادا با توده‌های مسلمان نامهربانی کند و به آن‌ها زیان برساند تا خوارشان کند و باید مردم را نیازمند و فقیر نکند که (دین‌شان آسیب ببیند) و کافرشان سازد...» (کلینی، ۱۴۰۱، ۱/۴۰۶) در روایت دیگری فقر و کفر کنار هم نشسته و به نوعی فقر زمینه ساز کفر معرفی شمرده شده است. چنان که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا: فقر نزدیک است به کفر انجامد». (صدوق، ۱۴۰۳، ۱۲).

در روایات نقل شده از امیرالمومنین علی (ع) نیز موارد مختلفی به نسبت فقر مادی و دین‌گریزی اشاره شده است. امام علی (ع) فرمود: «هر کس به فقر مبتلا شود به چهار خصلت مبتلا شده است. به سستی در یقین، کاستی در عقل و خرد، ضعف در دین و کم‌حیایی در چهره‌اش؛ پس از فقر به خدا پناه می‌برم.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲/۴۷) امام علی (ع) همچنین خطاب به فرزندش، محمد بن حنفیه می‌فرماید: يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مُنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ «فرزندم! از فقر بر تو ترسانم پس، از آن به خدا پناه بر که فقر دین را

می‌زداید و عقل را سرگردان می‌کند و دشمنی پدید می‌آورد.» (فیض الاسلام، حکمت ۳۱۹). اکنون پرسیدنی است که چه نسبتی بین فقر و نقصان دین وجود دارد؟ چگونه فقر موجب نقصان در دین می‌شود. شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌گوید: «فقر موجب نقصان دین است یعنی چه؟ یعنی فقر گناه است؟ نه فقر گناه نیست اما آدمی را که ایمان قوی نداشته باشد زود وادار به گناه می‌کند. بسیاری از گناهان است که از فقر و احتیاج ناشی می‌گردد... فقر به سر حد کفر نزدیک است... فقر فکر را پریشان و دهشت‌زده می‌کند. عقل و فکر در اثر احتیاج و فقر و نبودن وسایل زندگی، تعادل خود را از دست می‌دهد...» (مطهری، ۱۳۶۰، ۷۶). بعلاوه فقر و ناداری و تامین نشدن نیازهای انسان موجب افزایش خطاها می‌گردد چنان که امیرالمومنین (ع) در جای دیگر خطاب به فرزندانشان امام حسن مجتبی (ع) در این باره فرمود: «لَا تَلْمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ. انسانی را که طلب‌روزی خود می‌کند ملامت مکن زیرا هر کس روزی خود (و خانواده خود) را نداشته باشد خطاهایش افزون گردد.» (نوری، ۱۴۰۷، ۲/۴۱۵) تاثیر فقر تا آنجاست که حتی به لحاظ شناختی انسان باهوش را تحت تاثیر قرار می‌دهد چنان که در روایتی امام علی (ع) می‌فرماید: «وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطِنَ عَنِ حُجَّتِهِ. فقر انسان باهوش و زیرک را از بیان حجت گنگ می‌کند.» (سید رضی، حکمت ۳)

طبق برخی از روایات نماز ستون دین است ولی بر اساس حدیثی که در جوامع روایی آمده ستون نماز، نان می‌باشد. رسول خدا (ص) در روایتی فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ. خدایا به نان ما برکت بده و میان ما و آن جدایی ميفکن.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۷۳) و در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَ جَلَّ. اگر نان نبود نه نماز می‌توانستیم بخوانیم و نه می‌توانستیم روزه بگیریم و نه واجبات پروردگار خود را ادا کنیم (یعنی بدون نان و غذا نمی‌توان به این وظایف جامه عمل پوشید) (همان، ۶/۲۸۷) امام صادق (ع) سرچشمه زندگی انسان را نان و آب می‌داند و در حدیث معروف به «توحید مفضل» می‌فرماید: «وَ اعْلَمُ يَا مُفَضَّلُ أَنَّ رَأْسَ مَعَاشِ الْإِنْسَانِ وَ حَيَاتِهِ الْخُبْزُ وَ الْمَاءُ: ای مفضل! بدان سرچشمه زندگی و معاش انسان نان (مواد غذایی) و آب است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳/۸۷). ممکن است پرسیده شود چه نسبتی بین روایات اخیر و موضوع این مقاله است. در این باره می‌توان گفت بر اساس روایات نان نمادی از نیازهای اقتصادی به ویژه نیازهای تغذیه‌ای است. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «الْخُبْزُ إِسْمٌ لِلْمَأْكُولِ: نان عنوان برای خوردنی و غذا است.» (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ۱/۳۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۸۷) بنابراین با این تفسیر مشخص می‌شود در سطح اجتماع و با نگاه به عموم مردم و به ویژه مردم عادی تامین نیازهای اولیه زیستی زمینه ساز حرکت در مسیر نیازهای بالاتر همچون معنویت و عبادت است و برعکس برآورده نشدن نیازهای اولیه زیستی به سبب عوامل مختلف از جمله فقر و ناداری باعث اختلال در حرکت و جهت‌گیری در امور معنوی و دین‌داری و در نتیجه دین‌گریزی می‌گردد. مرحوم حکیمی نیز درباره این روایات می‌نویسد: «معنای این احادیث این است که تا نان و ماده غذایی نباشد و انسان نخورد و نیاشامد و تغذیه و تقویت نکند نمی‌تواند زنده بماند و نیرو داشته باشد و به طهارت و عبادت و خدمت و دیگر کارها بپردازد و این واقعیتی است روشن و بدیهی و با این روشنی، باز در احادیث یادآوری شده است تا معلوم باشد که همه افراد جامعه انسانی، باید به نیازهای اولیه خویش دست‌رسی داشته باشند و گرنه واجبات دینی و تکلیف‌های زندگی را نمی‌توانند انجام دهند...» (حکیمی، ۱۳۷۵، ۳/۲۹۲).

اگر بر اساس متون روایی فقر زمینه ساز کفر و بی دینی و دین‌گریزی است از سوی دیگر تمکن مالی و توانگری و توانایی در تامین نیازهای معمول زندگی و معیشت نیز می‌تواند شرایط را برای دین‌داری و عبودیت تسهیل کند. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْعَنَى؛ غنا بهترین وسیله برای رسیدن به تقواست» (ری شهری، ۱۳۸۶، ۵/۵۱۸). امام باقر(ع) نیز در تعبیر مشابهی چنین می‌فرماید: نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى طَلَبِ الْآخِرَةِ. دنیا برای به دست آوردن آخرت یاور خوبی است. (کلینی، ۱۴۰۱، ۵/۷۳) در متون روایی مال مایه قوام دین نیز معرفی شده است چنان که در روایتی مردی به امام صادق(ع) گفت: کسی مالی دارد و آن را تباه می‌کند و آن مال از میان می‌رود آن حضرت فرمود: مالت را حفظ کن که مایه قوام و دوام دین توست. سپس این آیه را خواند: وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (النساء: ۵) و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان دهید و [ولی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید. (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ۲/۲۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۹۲). همچنین در روایات، دین‌داری نوعی ثروت و دارایی معرفی شده است. یکی از یاران امام صادق(ع) می‌گوید: مردی بود که همیشه خدمت امام صادق(ع) می‌رسید، مدتی گذشت و به حج نیامد تا خدمت امام برسد یکی از دوستانش که او را می‌شناخت بر امام(ع) وارد شد حضرت از حال او جويا شد عرض کرد: دستش تنگ است نمی‌تواند بیاید امام(ع) فرمود: دین او چگونه است؟ عرض کرد: کما تُحِبُّ؛ همان طور که شما دوست دارید امام فرمود: هُوَ وَاللَّهُ الْعَنَى. به خدا سوگند ثروتمند است (منبع). این که چگونه توانگری و تامین نیازهای زیستی معمول به ویژه در میان عوام مردم زمینه دین‌داری را تسهیل می‌کند امری نیست که چندان پیچیده و نیازمند دلایل خاصی باشد. مرحوم حکیمی در این باره چنین می‌گوید: «دین برای ساختن انسان و پرداختن جامعه انسانی آمده است هنگامی که انسان آن چه را که برای زندگی و رشد خویش نیاز دارد مالک شد و از پرداختن به بعضی از کارها (به ویژه آن‌ها که ملازم با فقر و مسکنت است و از آن دو پدید می‌آید) خود داری ورزید فرصت برای او فراهم می‌آید تا انسانی مؤمن باشد و دارای ایمان و عقیده‌ای ثابت گردد و هدف‌های تربیتی دین را تحقق بخشد.» (حکیمی، ۱۳۷۵، ۳/۲۹۹).

##### ۵. راهکارهای مواجهه و مقابله با دین‌گریزی ناشی از فقر مادی بر اساس متون روایی

با در نظر گرفتن متون دینی و روایی برای حل مشکل دین‌گریزی ناشی از مشکلات اقتصادی و فقر مادی دو راهکار عمده وجود دارد که عبارتند از: ۱- راه حل اقتصادی: حل مشکلات اقتصادی و برطرف کردن فقر و ناداری در جامعه و ۲- راه حل اعتقادی: بالا بردن درک صحیح از دین و اعتقاد به خدا و افزایش ایمان به رزاقیت الهی. در ادامه به توضیح و تبیین هر یک از این راه‌حل‌ها بر پایه متون دینی و روایی می‌پردازیم.

##### ۵.۱. راه حل اقتصادی: حل مشکلات اقتصادی و برطرف کردن فقر و ناداری در جامعه

تردید نیست برای حل مشکل فقر که سبب دین‌گریزی مردم مخصوصاً جوانان می‌شود باید جامعه اسلامی برای این موضوع برنامه ریزی نموده و تلاش کند. بدون شک اقتصاد و مسائل اقتصادی از امور تعیین کننده نه تنها در حوزه امور دینی و باورهای دینی که در کل نظام‌ها و ساختارهای جامعه است. در همین راستا مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم ارزش و جایگاه اقتصاد را مهم شمرده و در این باره می‌گوید: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و

زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید». (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). نگاهی به تاریخ اسلام و متون روایی به روشنی نشان می‌دهد امامان معصوم (ع) در زمان خودشان در این زمینه تلاش می‌کردند و تمام کوشش خودشان را در رفع فقر به کار می‌گرفتند تا مردم بدون دغدغه معیشتی به دین‌داری خود بپردازند. مرحوم حکیمی در این باره می‌گوید: «سیره عملی امامان این گونه بود که نمی‌گذاشتند بینوایان از سختی‌های فقر و تهیدستی - که سبب دور شدن ایشان از دین و عمل به آن و سقوط شخصیت و کرامت انسانی آنان می‌شد - بیش از اندازه رنج ببرند و تا آن جا که می‌توانستند بر ضد بلای بزرگ فقر مبارزه می‌کردند و به یاری محرومان و زاد و توشه رساندن به بینوایان بر می‌خواستند. در تاریکی‌های شب‌های سرد و بارانی به کوخ‌های بینوایان می‌رفتند و خوراک و ضرورت زندگی به آنان می‌رساندند و یتیمان را فراموش نمی‌کردند.» (حکیمی، ۱۳۷۵، ۳/۳۰۰) تاریخ اسلام و سیره عملی ائمه معصوم گواه روشنی است بر تلاش بی‌وقفه ایشان در حل مشکل فقر و ناداری اقشار ضعیف جامعه که در ادامه به برخی از نمونه‌های عینی ثبت شده در این زمینه اشاره می‌شود:

- امام سجاد (ع) از تاریکی شب استفاده می‌کرد و با کیسه‌های در هم و دینار، خوراکی و ... به در خانه‌های مستمندان می‌رفت و در حد توان نیازهای آنان را برطرف می‌ساخت. آن حضرت صد خانه از خانه‌های فقیران مدینه را معاش می‌داد و ... (صدوق، ۱۴۰۳، ۲/۵۱۷)

- امام صادق (ع) چون پاسی از شب می‌گذشت انبانی با خود بر می‌داشت که در آن نان، گوشت و مقداری در هم بود و آن را بر دوش خود حمل می‌کرد و به خانه‌های نیازمندان مدینه می‌رفت و میان‌شان تقسیم می‌کرد در حالی که آن حضرت را نمی‌شناختند... (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۶/۲۷۸)

- امام موسی بن جعفر (ع) شب هنگام به فقرا و مستمندان مدینه سرکشی می‌کرد و زنبیلی را که در آن پول، آرد و خرما بود با خود حمل می‌کرد و آن را در بین بینوایان تقسیم می‌کرد و به آنان می‌رساند... (مفید، ۱۴۱۳، ۲/۲۳۱) بر اساس آموزه‌های اسلامی و متون دینی برای رفع مشکل فقر، حکومت و مردم هر کدام جداگانه دارای مسئولیتی علی‌حده هستند بنابراین در این جا در دو بخش به این مسئله پرداخته می‌شود:

### ۵.۱.۱. وظایف مسئولان حکومتی و حکومت در حل مشکلات اقتصادی به عنوان عامل دین‌گریزی

حکومت اسلامی وظیفه دارد فقر را در جامعه ریشه‌کن کند و رفاه اجتماعی را برای اقشار مختلف جامعه ایجاد کند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم ضمن تأکید بر تقویت اقتصاد کشور و بیان این که انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد ولی معتقد است عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است چالش بیرون تحریم و وسوسه‌های دشمن که در صورت اصلاح مشکل درونی کم اثر و حتی بی‌اثر خواهد بود و چالش درونی عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی می‌باشد. بنابراین ایشان چند راه حل را برای سامان یافتن اقتصاد کشور پیشنهاد می‌کند:

#### ۱. تقویت اقتصاد مستقل

که این اصل مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت، توزیع عدالت‌محور و مصرف به اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی

خردمندانه می‌باشد.

## ۲. برطرف کردن عیوب اقتصادی

مهم‌ترین نکته بر طرف کردن آسیب‌های اقتصادی مثل وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد، عدم رعایت اولویت‌ها، وجود هزینه‌های زاید و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی می‌باشد.

## ۳. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

ایشان معتقد است باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پی‌گیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت بخش‌های مهم راه حل برون‌رفت از مشکلات اقتصادی است. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

## ۵. ۱. ۲. وظایف و مسئولیت مردم در حل مشکلات اقتصادی به عنوان عامل دین‌گریزی

بر پایه آموزه‌های روایی اسلام در کنار مسئولان، مردم هم وظایفی در حل مشکلات اقتصادی و در نتیجه حذف آن به عنوان عامل دین‌گریزی دارند. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند سبحان در اموال ثروتمندان روزی تنگدستان را قرار داده است. هر فقیری که گرسنه بماند ریشه‌اش در امتناع ثروتمندان است.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۳۴) امام رضا (ع) در بیان یکی از علت‌های تشریح زکات می‌فرماید: «وَالْمُعْوَنَةُ لَهُمْ عَلَىٰ أَمْرِ الدِّينِ. یاری رساندن به فقرا و بینوایان در امر دین.» (صدوق، ۱۳۸۵، ۳۶۹) طبق این روایت یکی از فلسفه‌های پرداخت زکات این است که فقرا دغدغه معیشتی کمتری داشته باشند تا بتوانند در انجام تکالیف و وظایف شرعی و دینی خویش بهتر قیام کنند و فقر و ناداری موجب سستی در ارکان ایمان، عقاید و باورهای آنان نشود و در مسیر بی‌دینی قرار نگیرند. (شکوهری، ۱۳۸۸، ۱۰۰)

در فقه و حقوق اسلامی به استناد به آیه ۶۰ سوره توبه مصارف زکات بیان شده است. خداوند در قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: (مصرف) صدقات منحصرًا مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام) و آزادی‌بندگان و قرض‌داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا) و به راه درماندگان. این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداست، که خدا دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است (توبه: ۶۰). اگر به آنچه زکات بر آن واجب است و کسانی که زکات بر آنان واجب است توجه شود و نیز به مصارف زکات دقت گردد (به ویژه فقرا و مساکین) به روشنی به وظیفه و مسئولیت مردم در حوزه حل مشکل اقتصادی در جامعه اسلامی پی برده می‌شود. همچنین بر اساس آیه یکی از اصناف هشت‌گانه‌ای که به آنان زکات تعلق می‌گیرد: «مؤلفه قلوبهم» است یعنی برای الفت و تمایل قلبی به اسلام به آنان زکات داده می‌شود تا گرایش به دین پیدا کنند. درباره «مؤلفه قلوبهم» دو دیدگاه وجود دارد:

الف- برخی از فقها عنوان «مولفة قلوبهم» را اختصاص به کفار داده‌اند و شامل مسلمانان نمی‌دانند. (طوسی، ۱۳۸۷، ۱/۲۴۹)

ب- ولی برخی از فقهای شیعه و اهل سنت و مفسران معتقدند که «مولفة قلوبهم» هم در کفار وجود دارد هم در بین مسلمانان. (حلی، ۱۳۲۰، ۱/۴۰۴)

مراد از مسلمانان اشخاصی‌اند که دارای اعتقادات ضعیف و سستی هستند و بیم آن می‌رود که بر اثر فقر، گرایش به بی‌دینی پیدا کنند. از این رو با کمک مالی به آنان به وسیله زکات ثبات و استواری آنها در دین افزایش می‌یابد. (شکوهی، ۱۳۸۸، ۱۰۱) شمول عنوان مؤلفه قلوبهم نسبت به کفار و مسلمانان از برخی روایات و تفاسیر نیز فهمیده می‌شود. (همان) در روایتی زراره از امام باقر(ع) درباره «مولفه قلوبهم» سؤال می‌کند آن حضرت می‌فرماید: مؤلفه قلوبهم گروهی بودند که قائل به توحید و دور از شرک بودند شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر دادند اما با وجود این نسبت به بعضی امور دینی دچار شک و تردید بودند. از این رو خداوند به پیامبرش دستور فرمود تا با اعطای مال و بخشش به آنان، دل‌های آنان را جذب کند تا اسلام آنها بهتر گردد و بر دینی که برگزیده‌اند استوار بمانند. (عروسی حویزی، ۱۳۲۰، ق ۲/۲۳۱) بنابراین در مجموع می‌توان گفت آموزه‌های اسلامی ناظر به امور مالی و اقتصادی در یک ارتباط نظام‌وار و مرتبط با سایر امور حل مشکلات اقتصادی را در جامعه مورد توجه خود قرار داده است. به تعبیر برخی از محققان «آشکار است که اسلام به مسایل اقتصادی، نظری نظام‌یافته (مرتبط با دیگر بخش‌های دینی) دارد و آن را از بخش‌های دیگر دین جدا نمی‌کند بلکه جزئی از آنها قرار می‌دهد. بنابراین واجب است که در جامعه اسلامی یک برنامه نظام مالی به شکل صحیح و عادلانه تنظیم شود تا مال نتواند چیزی جز سبب قوام مردم و دوام دین و یاری بینوایان و پناه‌بخش مستضعفان باشد نه این که سبب تزییع دین و تباهی قشرهای نامبرده گردد؛ نیز سازنده انسان و شخصیت او باشد نه ویران‌کننده آن هر دو و تقویت‌کننده اجتماع و حیثیت آن باشد نه ویران‌گر آن هر دو.» (حکیمی، ۱۳۷۵، ۳/۳۰۰)

## ۲.۵. راه حل اعتقادی

دومین راه حل برای این که مشکلات اقتصادی و فقر مادی موجب دین‌گریزی در میان مردم نگردد توجه به مسائل اعتقادی در این حوزه و مشخصاً تصحیح و تقویت بعد اعتقادی در این موضوع و نیز تقویت ایمان مردم به رزاقیت الهی است. در ادامه به تبیین و توضیح این دو می‌پردازیم.

### ۲.۵.۱. بالا بردن درک صحیح از دین و اعتقاد به خدا

باید از جهت عقیدتی تلاش کرد مردم اعتقادشان به خدا تقویت شود و باور مردم را در این زمینه تقویت کرد که با توکل به خدا می‌توان مشکلات را برطرف کرد. باید این روحیه تقویت شود که آن چه خداوند می‌فرماید: ... *إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ* (النور / ۳۲) ... اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. اگر چه این آیه در ارتباط با موضوع ازدواج و کسانی است که به سبب ترس از مشکلات اقتصادی زیر بار ازدواج نمی‌روند و تشکیل خانواده نمی‌دهند اما می‌شود به موارد دیگر از جمله موضوع این مقاله و راه حل مذکور تعمیم داد. کسانی که به خاطر فقر و مشکلات اقتصادی دین‌گریز می‌شوند قرآن یادآور می‌شود که فقر و

ناداری نباید سبب چنین موضوعی شود چرا که فضل الهی بی‌نهایت است. در آخر آیه نیز می‌فرماید: «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» یعنی خداوند قدرتش آن چنان وسیع است که پهنه عالم هستی را فرا می‌گیرد و علم او چنان گسترده است که از همه امور از جمله مشکلات اقتصادی مردم آگاه است و همه را مشمول فضل و کرم خود قرار خواهد داد. باید در ارتباط با اعتقادات مردم کار بشود که اگر چه شیطان وعده فقر می‌دهد آن چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ الْفَقْرَ: شیطان به شما (هنگام انفاق مال با ارزش) وعده فقر می‌دهد» (البقره: ۲۶۸) ولی خداوند وعده مغفرت و فضل می‌دهد. آنجا که می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا: و خدا به شما وعده آمرزش و احسان دهد.» (بقره/۲۶۸) (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ۱۴/۴۵۸)

### ۵.۲.۲. افزایش ایمان به رازق بودن خداوند

باید تلاش کرد که مردم ایمان پیدا کنند که روزی رسان خداوند است و مشکلات اقتصادی در جامعه و فقر خللی در ما ایجاد نکند. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ: و هیچ جنبه ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست، و [او] قرارگاه واقعی و جایگاه موقت آنان را می‌داند؛ همه در کتابی روشن ثبت است. (هود/۶) علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» دلالت بر وجوب روزی بر خدا دارد لذا با اندیشه در این آیه انسان در می‌یابد که هیچ مخلوقی از جانب خداوند بدون رزق نمی‌ماند و این تضمینی از طرف خداوند است (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۱۱/۲۳۹) در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن (از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را بر او می‌گشاید. و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است» (الطلاق: ۲ و ۳) علامه طباطبایی ذیل این آیه نیز می‌نویسد: «هر کس از حرام‌های خداوند به خاطر خدا پرهیز نماید و حد و حدود او را نگه دارد و شریعتش را هتک حرمت ننماید خداوند متعال برای او راه‌هایی از مشکلات و تنگنای زندگی را فراهم کرده و نباید بترسد که با رعایت حدود الهی دچار تنگدستی و فقر شود بلکه روزی از جانب خداوند قادر تضمین شده است.» (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۲۷۵ و ۳۸/۳۷۸)

### ۵.۳. راه حل اخلاقی

یکی دیگر از راهکارهای مواجهه درست با موضوع فقر راهکار اخلاقی است که در ادامه به مصادیق آن می‌پردازیم.

### ۵.۳.۱. امید به گشایش

این که انسان گمان کند سختی‌ها و به خصوص مشکلات مالی پایدار هستند خود این گمان مضاعف‌کننده سختی‌ها بوده بعلاوه این که توان تحمل را از انسان سلب می‌نماید (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۵۷) بر اساس آموزه‌های اسلامی سختی‌ها و مشکلات به ویژه مشکلات مادی همیشگی نیست. متون قرآنی و روایی به انسان مومن یادآور می‌شود که نباید تصور کند مشکلات پایان‌ناپذیر و دائمی هستند، چنان که در روایتی از امام علی (ع) نقل شده که حضرت در این باره می‌فرماید: چون سختی‌ها به نهایت رسید گشایش پدید آید و آن هنگام که حلقه‌های بلا تنگ گردد آسایش فرا

رسد (سید رضی، حکمت ۳۵۱) همچنین متون دینی تاکید می‌کند چه بسا آنچه ظاهرش مشکل و دشواری است در بردارنده گشایش‌ها و راحتی‌ها باشند: *فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا*: به درستی که با هر سختی، آسانی است (الانشارح: ۵-۶). شهید مطهری در ذیل این آیه متذکر می‌شود که قرآن می‌فرماید بعد از سختی، آسانی است بلکه تعبیر این است که با سختی، آسانی است، یعنی آسانی در بطن سختی و همراه با آن است (مطهری، ۱۳۷۸، ۱/۱۷۵). در جای دیگر خداوند وعده داده که به زودی بعد از سختی، آسانی قرار می‌دهد: *سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا* (الطلاق: ۷). توجه به موقتی بودن سختی‌ها و گشایش در آینده، طاقت و توان انسان را افزایش داده و از شدت فشار روانی کاسته و تحمل آن را ساده‌تر می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که امید به گشایش می‌تواند مانع مهمی باشد تا انسان در مواجهه با مشکلات مالی و فقر اقتصادی دچار تزلزل اعتقادی و عملی در حوزه دین‌نشده و دین‌گریز نگردد.

### ۲.۳.۵. صبر و بردباری

بی‌تردید صبر و بردباری و تاب‌آوری نقش مهمی در زندگی انسان در مسیر رشد و تعالی دارد. نگاه تاریخی به زندگی انسان‌ها به روشنی نشان می‌دهد کسانی که واجد این فضیلت والای اخلاقی بوده در زندگی و در صحنه‌های مختلف موفق‌تر بوده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم به یکی از سنت‌های حتمی در زندگی انسان‌ها یعنی سنت ابتلاء و آزمایش اشاره کرده و یکی از مصادیق آن را نقص در اموال - که مشکل اقتصادی می‌تواند مصداقی از آن باشد - معرفی نموده و در عین حال مواجهه صحیح با چنین شرایطی را صبر و بردباری معرفی کرده است: *وَلَبَّوْا نَكْمَ بَشِيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ*: و مسلماً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کاهش محصولات می‌آزماییم، و صابران را نوید ده (البقره: ۱۵۵). توجه به روایات رسیده از معصومان (ع) نیز بیان‌گر آن است که صبر و بردباری در مواجهه با مشکلات اقتصادی نه تنها انسان را در دینداری ثابت‌قدم می‌دارد بلکه باعث می‌شود که زمینه گشایش و راحتی نیز فراهم گردد چنان‌که در روایتی نقل شده شخصی در محضر امام صادق (ع) از نیازمندی خود به حضرت شکایت کرد و امام در پاسخ فرمودند: صبور باش که به زودی خداوند فرج و گشایش را برای تو می‌رساند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۸/۲۱۹).

### ۳.۳.۵. ترک مقایسه صعودی در حوزه اموال و امور مادی

انسان‌هایی که دنیامدار و طالب آن هستند هنگامی که بهره‌مندی دنیایی دیگران را مشاهده کرده به مقایسه صعودی و چشم‌دوختن روی می‌آورند. منظور از مقایسه صعودی آن است که انسان وضع مالی و مادی خود را با افراد فرادست و برخوردارتر از خود مقایسه نماید (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۵۷) که نتیجه این مقایسه حسرت و حسادت و چه بسا دین‌گریزی باشد. خداوند متعال در قرآن کریم وضعیت ذهنی و قلبی چنین افرادی را در قالب یک نمونه عینی چنین بیان می‌کند: *فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ* [قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنان که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده‌اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره‌بزرگی است (القصص: ۷۹). در جای دیگر از قرآن کریم خداوند ضمن نهي از این مقایسه صعودی توجه انسان مومن را به چیز دیگری جلب می‌کند تا علی‌رغم تفاوت‌های مادی و چه بسا برخورداری کمتر انسان مومن از بهره‌های دنیوی او را به آنچه موجب رستگاری و صلاح اوست هدایت

فرماید: وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ ۖ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ: و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده ایم، میفکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است (طه: ۱۳۱). در دستورالعملی بنیادی از امام صادق (ع) توصیه شده اگر هم قرار بر مقایسه باشد لارم است انسان وضعیت مالی و مادی خود را با افراد فرودست و پایین تر از خودش مقایسه نماید نه با کسی که بالاتر و دارا تر از اوست و حکمت این امر نیز مطابق با فرمایش حضرت آن است که این کار تو را به آنچه قسمت تو شده است قانع تر می‌سازد و این که نزد خدا مستحق افزایش روزی و بهره مندی مادی می‌گرداند: أَنْظُرْ إِلَىٰ مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَىٰ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ وَ آخِرَىٰ أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵/۳۴۸).

#### ۴.۵. راهکارهای عملی

در مواجهه درست با مشکلات مادی و اقتصادی و برای پرهیز از دین‌گریزی ناشی از این مشکلات و از منظر متون دینی برخی مهارت‌های رفتاری و اقدامات عملی نیز می‌تواند راهگشا باشد که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

#### ۴.۵.۱. کار و تلاش

در قرآن کریم حدود ۴۰۰ آیه در تشویق به کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت کار و تلاش وارد شده است. بر اساس آیات قرآن، بهره‌انسان وابسته به میزان تلاش و کوشش اوست و نتیجه آن نیز بزودی توسط انسان مشاهده می‌شود: وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ (النجم: ۳۹-۴۰). در روایتی از امام صادق (ع) در همین زمینه چنین آمده است: در تحصیل روزی تنبلی نکنید زیرا پدران ما در این راه می‌دویدند و آن را طلب می‌کردند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲/۳۸). آموزه‌های اسلامی ضمن تاکید بر اهمیت کار و تلاش به ایجاد انگیزه در این راستا توجه ویژه‌ای داشته‌اند چنان‌که در روایتی از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که حضرت فرمود: عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن در طلب روزی حلال است: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۹). بر اساس روایات کسی که برای (کسب روزی) خانواده اش زحمت بکشد و تلاش کند، مانند مجاهد در راه خداست. از رسول گرامی اسلام نقل است که فرمود: الْكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۱۳). از سوی دیگر نیز مطابق با آموزه‌های روایی سستی و کاهلی و پرهیز از کار و تلاش موجب حرمان است: مِنْ سَبَبِ الْحِرْمَانِ التَّوَانِي (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۷/۲۰۸).

#### ۴.۵.۲. انفاق و صدقه

انفاق که به معنی پرداختن مال برای رفع نیاز دیگران است به گونه‌ای که پرداخت کننده مالی از دست می‌دهد بدون آن که جایگزین مادی برای آن بیابد یکی از راهکارهای عملی در مواجهه درست با مشکلات اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. شاید در ابتدا این راهکار در شرایط مورد بحث مناقشه برانگیز به نظر آید. اگر انفاق بخشش از مال برای رفع نیاز دیگری است چگونه کسی که خودش شرایط مناسب مالی ندارد توصیه به این امر می‌شود در حالی که به نظر او خودش نیازمند چنین بخششی است. در پاسخ به این سوال باید به کلام الهی تمسک جست آنجا که می‌

فرماید: لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَيْنَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَيْنَاهَا سَيِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا: آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می‌دهد (الطلاق: ۷). بر اساس این آیه نتیجه انفاق به ویژه در شرایط سختی نتیجه اش می‌تواند گشایش و آسانی باشد. صدقه دادن نیز همچون انفاق راهکاری عملی در این زمینه است چنان که از امام علی (ع) روایت شده که فرمودند: إِذَا أُمَّلَقْتُمْ، فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ: هر گاه تهیدست شدید با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید (سیدرضی، حکمت ۲۵۸).

### ۵. ۴. ۳. قناعت

از نظر علمای اخلاق قناعت حالتی است برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است (نراقی، ۱۳۶۷، ۲۸۲). بر اساس حدیثی قدسی خداوند می‌فرماید: من توانگری را در قناعت نهاده ام، اما مردم آن را در فراوانی مال می‌جویند؛ از این رو نمی‌یابندش (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸/۴۵۳) از منظر متون روایی قناعت ثروتی تمام نشدنی و سر توانگری است. در روایتی از امام صادق (ع) بزرگترین توانگری وابسته به سه چیز شده است که یکی از آنها قناعت است: مَنْ رَزَقَ ثَلَاثًا نَالَ ثَلَاثًا وَ هُوَ الْعِنَى الْأَكْبَرُ: الْقَنَاعَةُ بِمَا أُعْطِيَ، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَ تَرْكُ الْفُضُولِ: هر که سه چیز روزیش شود، به سه چیز دست یابد و این بزرگترین توانگری است: قانع بودن به آنچه عطایش شده است، چشم امید برکندن از آنچه مردم دارند و ترک زیادیها (حرانی، ۱۳۷۶، ۳۱۸).

### ۶. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین عوامل دین‌گریزی مردم مخصوصاً در میان قشر جوان مشکل اقتصادی و فقر مادی می‌باشد. مطابق متون روایی اسلام فقر و مشکل اقتصادی نقش مهمی در دین‌گریزی می‌تواند داشته باشد. مشکلات اقتصادی هم به لحاظ عملی و وادار ساختن فرد به انجام رفتارهای غیرشرعی برای تامین معاش و هم به لحاظ نظری و ایجاد سوء ظن نسبت به اوصاف الهی از جمله رزاقیت خدا می‌تواند زمینه نوعی دین‌گریزی را فراهم آورد. از سوی دیگر در مقابله با این عامل موثر بر دین‌گریزی نیز چهار راهکار مطابق با آموزه‌های اسلامی ارائه شده است. راهکار اول حل مشکل اقتصادی و برطرف کردن فقر در جامعه است که برای این راهکار هم حکومت اسلامی مسئولیت دارد که با برنامه‌ریزی در جهت حل مشکل فقر و رفاه برای مردم اقدام کند و هم آحاد مردمی که وضع مالی مناسبی دارند می‌توانند با پرداخت صدقات واجب و مستحب در رفع این مشکل کارساز باشند. راه حل دوم بالا بردن درک صحیح از دین و اعتقاد به خدا و افزایش ایمان به رازق بودن خداوند است که یک راه حل عقیدتی و کلامی است. همچنین به لحاظ اخلاقی آراستگی به اموری همچون امیدواری به گشایش و فضل الهی، صبر و بردباری و پرهیز از مقایسه صعودی اموال و از جهت عملی و رفتاری نیز مواردی از جمله کار و تلاش و انفاق و صدقه دادن از مهم‌ترین راهکارهای ماخوذ از آیات و روایات در مواجهه درست با مشکلات اقتصادی و فقر مالی و برای پرهیز از دین‌گریزی ناشی از آن است.

### ۷. منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربیه، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن عربی، اکبر محی الدین، فتوحات مکیه، مترجم محمد خواجوی، انتشارات مولی، ۱۳۹۳.
۳. پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، مترجم احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۳، چاپ چهارم.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دارالعلم للملایین، بی تا.
۶. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه محمدباقر کوه کمره ای، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۸. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.
۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، علمیه قم.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، رهنمایان دین، تهران، دریا، ۱۳۹۷.
۱۱. رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، نشر امام علی (ع)، قم، ۱۳۶۹.
۱۲. شکوهی، علی، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، علل الشرایع، مکتبه الداوری، قم، ۱۳۸۵ق.
۱۴. -----، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۶ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، امالی، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۴ق.
۱۷. -----، المبسوط فی فقه الامامیه، محقق و مصحح سید محمد تقی، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. طیب، سید عبد الحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، تهران، چاپ سوم، کتابفروشی اسلام.
۱۹. عروسی حویزی، علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۲۰ق.
۲۰. عطار نیشابوری، فریدالدین، مصیبت‌نامه، انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
۲۱. غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، تهران، فردوس، ۱۳۹۳.
۲۲. فراهیدی، ابو عبد الرحمن الخلیل، العین، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۵ق.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن، وافی، اصفهان، مکتبه الامام امیر المؤمنین (ع)، ۱۳۶۵ ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۵. -----، فروع کافی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۶، چاپ هفتم.

۲۸. -----، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۰. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. -----، بیست گفتار، شرکت افست، چاپ ششم، ۱۳۶۰ ش.
۳۲. -----، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۵. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۳۶. نراقی، احمد، معراج السعاده، تهران مؤسسه مطبوعات حسینی، ۱۳۶۷ ش.
۳۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. اصفهانی، ابراهیم، "نگاهی به عوامل جامعه‌شناسی و روان‌شناختی دین‌گریزی"، معرفت، ش ۸۲، ۱۳۸۲.
۳۹. پاکزاد، عبدالعلی، "مهارت غلبه بر فقر مالی در قرآن"، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، ۱۳۸۸.
۴۰. رفیعی محمدی، ناصر، انصاری، علی رضا، "علل و ریشه‌های دین‌گریزی"، افق تبلیغ، ش اول، ۱۳۸۹.
۴۱. مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای، "بیانیه گام دوم"